

هُوَالله-مولای مولای تقدّس ذاتک عن درک العقول و الافهام...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسی



هُوَالله

مولای مولای تقدّس ذاتک عن درک العقول و الافهام و تنزّهت هویتک عن الظنون و الاوهام و أنّى لفقر
بحت و فقدان باتّ. ان ينال سموّ الغنى و المطلق ذى الآيات البينات و كيف يعرج الدليل من الذباب الى اوج
كلّت فيه اجنحة كلّ عزيز من العقاب و خسرت صفقة كلّ بغاث اراد ان يستنسر في هذا الفضاء و خابت آمال
كلّ بعوض اراد ان يخوض في عباب هذه البحار فو عزّتک ليس له الا العجز و الانكسار و الفقر و الاضطرار و
الاعتراف بالضعف و الهوان و الاقرار بالذلّ و الانكسار فالصمت و السكوت في هذا المقام من ابداع كلام
وافصح بيان و فصل الخطاب تعاليت يا الهى عن كل ذكر و تبیان تنزّهت يا محبوبى عن احاطة العقول و الجنان
فادعوك بلسان سرى و جهارى عند اضطرابى و اضطرارى و عدم سكونى و قرارى و شدّة فنائى و اضمحلالى

ربّ ربّ هذه عبراتى و زفراتى و حسراتى ترى الدموع منسجمة و الاحشاء مضطربة و الاركان مضطربة خشية
الامتحان و خوف الافتتان ربّ ثبت قدمى على هذا السبيل القويم و استقمى على العهد القديم فيا حسرتى ان
زلت قدمى عن هذا الصراط و يا خيبتى اذا طوى هذا البساط و خابت الآمال و يا سوئتى اذا اخذتنى سطوة اهل
الآفاق ربّ ترانى فدیت احبائک بروحى و ذاتى و جسمى و جنانى و اتمنى فى كلّ آونة اهراق دمی و سفک
ثارى حباً باولیائک و شغفاً فى اصفیائک ربّ لاتحرمنى عن هذه الموهبة العظمى و لاتمنعنى عن هذه النعمة الّتى
طلما اتمناها

¹ شرق و غرب عموم احبائى الهى عليهم بهاء الله الا بهى



ORIGINAL



AUDIO

فلک الحمد یا الهی بما قدرت بقائی فی فنائی و وجودی فی انعدامی و استقلالی فی اضمحلالی و حیاتی فی مماتی
 و لک الشکر یا مقصودی بما جعلت عزّتی فی ذلّتی و راحتی فی کربتی و شفائی فی علّتی و روائی فی غلّتی و لک
 المنّ یا الهی بما قدرت غنائی فی فقری و نفعی فی ضرّی و صعودی فی هبوطی و انسّی فی وحشتی و جمعی فی
 وحدتی ربّ اجعلنی آیه الفداء و رایة الشهادة الکبری و مورد المحن و الآلام فی حبّک و معرض المصائب و
 هدف سهام النوائب فی سبیلک و اسقنی كأساً دهاقاً من البلاء و اسکرنی من سلاف الرّزیة الکبری و کلّنی
 بتاج و هاج متلاًّلاً بلاّ لی الموهبة الکبری و البسنی ردّاء افتخر بها فی الملاء الاعلی و الهمنی آیات الفناء فی
 سبیلک یا ربّ الاسماء الحسنی و المثل الاعلی انک انت الکریم الرّحیم العزیز الوهاب و انک انت الربّ الرّحمن
 الرّحیم.

ای یاران روحانی عبدالبهاء هر چند در این اوان دریای امتحان پر هیجان و اریاح احزان از شش جهت در
 هبوطست دمی نفس راحتی بر نیاید و طرفه العین آسایشی حاصل نشود. جمیع نفوس بر بالین راحت آسوده و کلّ
 خلق در فراش آسایش آرمیده ولی بقعه مبارکه بسیار منقلب دقیقه راحت و آسایش نه و این بسبب فتنه و فساد
 ناقضان است جمیع احبای الهی شاهد و واقفند که این آواره از جمیع جهات صادق و خیرخواه دو دولت
 ذیشوکت ایران و عثمانیست و در جمیع رسائل و محرّرات ستایش و نعمت از این دولتین علیّین نموده‌ام و از
 درگاه احدیّ طلب تأیید کرده‌ام. زیرا حضرت بهاءالله روحی لاجبائّه الفدا در حق دولتین علیّین دعا
 فرموده‌اند چنانکه کلّ میدانید و واقف بر آن هستید که در حق اعلیحضرت عبدالحمید خان دعا فرمودند و از
 حق حفظ و حمایت طلبیدند که در صون و عون حضرت احدیت محفوظ و مصون ماند باوجود این قضیه
 مسئله بیوفایان با بعضی ابلهان اهل غرض در این صفحات اتفاق نموده و در دو سال پیش لایحه ئی تقدیم
 نموده‌اند که معاذالله عبدالبهاء بد خواه است نه خیر خواه. و مخالف است نه موافق.

لذا هر روز واقعه ئی حاصل و مشکلاتی آشکار گردد. ولی این عبد الحمدلله بر خیر خواهی ثابت و بر صدق نیّت
 مستقیم و راسخ است. از این وقوعات بهیچوجه در نیّت خالصه این عبد خللی حاصل نگشت بلکه متابعت امر
 حضرت مقصود نموده و بخیر خواهی و دعای خیر مشغول است

لذا احبای الهی نیز از استماع بعضی حوادث و انقلاب ارض مقدّس محزون و دلخون نشوند و در نیّت خالص و
 صدق طویّت و خیرخواهی این دو دولت ابد مدت ادنی فتوری نمایند و در نهایت امانت و خلوص بادعیه خیریه
 در حقّ این دو دولت ابد مدت شب و روز پردازند اعلیحضرت پادشاه عثمانی الحمدلله خیرخواه عموم و مهربان
 بجمیع طوائف و اقوام هستند البتّه عاقبت حقیقت حال در پیشگاه حضور واضح و آشکار گردد. بد خواهان
 چهل سال خاطر ملازمان دولت علیه ایران را از این آوارگان مشوش نمودند که معاذالله این طایفه از تبعه
 صادقه نیستند. لذا وزراء و امنای دولت ایران متعرض این طایفه بودند بعد از چهل سال در نزد امنای دولت

ثابت و آشکار و محقق شد که در میان عموم تبعه ایران بهائیان ثابتند و مستقیم و خیرخواه عظیم لهذا دولت ابد مدت ایران بعد از شدت تعرض بنوازش پرداخت و برعایت و حمایت کوشید.

سُبْحان الله در این حرکت عمومی ایران واضح و مشهود شد که یکنفر بهائی در میان انجمنهای متحرکه نبود بلکه کل کتاره گرفتند و در امور سیاسی مداخله نمودند و باطاعت دولت و خیر خواهی ملت پرداختند حتی در میان آن جمهور که بسفارت بهیه انگلیس در آغاز مشکلات پناه بردند یکنفر بهائی نبود. باری امر باین وضوح نزد بعضی در این صفحات مشتبه گشته و بیوفایان سبب ترویج این بهتانند.

سُبْحان الله جمیع طوائف در ایران ب فکر کم و بیش خویشند اگر از حکومت اطاعتی نمایند بامید عطائست یا خوف و خشیت از عقابی مگر بهائیان که خیر خواهی دولتین علیتین را بنص صریح حضرت بهاء الله فرض عین و واجب دانند و اطاعة للأمر در نهایت صدق و خیر خواهی هستند و اگر چنانچه نفسی بدولت خلافی نماید خویش را مؤاخذ عندالله و مستحق عقاب داند. با وجود این سائر طوائف مختلفه بد خواه خیرخواه شمرده شوند و بهائیان محروم از آن در این ایام اخیره حرکت عمومی در طهران و جمیع بلاد واقع شد آیا یکنفر بهائی مداخله در این امور نمود لا والله حتی این طائفه بدین سبب مورد ملامت و طعن یخردان گشته اند که چرا ساکتید و صامت و بی طرفید و ساکن. بی چند نفر بانی نه بهائی از اتباع میرزا یحیی در امور ملتیان مداخله نمودند. اما بهائیان الحمدلله اطاعت امر حضرت بهاء الله نمودند و در امور سیاسی مداخله نکردند و در هیچ انجمنی حاضر نشدند امید از فضل رب مجید چنان است که یاران بهائیان همواره بر این مسلک منصوص یعنی اطاعت حکومت و خیرخواهی عموم باقی و برقرار باشند تا مظهر الطاف الهی گردند و مورد عنایات نامتناهی شوند

ای یاران روحانی این جهان فانیرا بقاء و قراری نه. و این حیات دنیوی را ثبات و استقامتی نیست. کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام. لهذا در موارد بلا صابر باشید و در اشد ابتلا ساکن و ساکت. در فکر آن باشید که عالم انسانی نورانی گردد و بغض و عداوت ملل با یکدیگر ب محبت و مهربانی مبدل گردد. اگر در هر دم صد هزار جفا بینید آزرده مشوید و دلتنگ مگردید. بخیر خواهی پردازید و بد خواهانرا نوازش نمائید بلکه جفا را مانند وفا تلقی نمائید و اهل عدوانرا محبت بی پایان کنید. اگر زخمی زند مرحم دانید و اگر جوری کنند رحم و مروّت شمرید. بد خواه را محترم دانید تا چه رسد بخیرخواه دشمن را دوست شمارید تا چه رسد بیار وفا دار

وصایا و نصایح حضرت بهاء الله این است باید بهائیان رحمت عالمیان باشند و خیرخواه جهانیان. اگر در هر دم هدف هزار سهم گردند شکوه نمایند آزرده نشوند شکرانه کنند که الحمدلله تیر خوردند و شهد و شیر دادند ضربت دیدند رحمت نمودند معرض نعمت شدند خوان نعمت گسترند طعن و لعن شنیدند مدح و ستایش نمودند. این است وصایای جمال ابهی روحی لاجبائه الفداء هنیئاً لمن عمل بهذه الوصایاء التي تتنور بها الافاق. ای

یاران روحانی از هیچ بلائی ملال نیارید و کلال مجوئید بلکه شب و روز در نورانیت عالم انسانی بکوشید که بلکه انشاءالله خلق از عالم ظلمانی برهند و در جهان نورانی در آید از درندگی نجات یابند و فضائل ملکوتی یابند. تیز چنگی بنهند و براستی و درستی و محبت و دوستی برخیزند

ای یاران نظر بشخص عبدالبهاء مدارید توجه بمقصد اصلی کنید و بفیض الهی خدمت نمائید. این عبد در هر دیار باشم ولو بزنجیر و اغلال گرفتار و یا آنکه در قعر بحار مقرر یابم و یا در تحت طباق تراب پنهان شوم ابداً فتور در نوایای خیریه میارید و قصور جائز مدانید. بلکه در گاه احدیت را بنده غیور باشید و عبد شکور گردید تا فیض موفور یابید و شب و روز بادعیه خیریه در حق عموم دول و ملل و طوائف عالم پردازید. علی الخصوص این دو دولت شرق که محتاج تأیید و توفیق ربّ المشارق و المغرب هستند و بهیچ وقوعاتی فتور حاصل نمائید در خیرخواهی و اطاعت و انقیاد بحکومت و صداقت باعلیحضرت شهرباری و نیت خالصه بجمیع جهانیان ثابت و مستقیم مانید و علیکم التحیه و الثناء. ع ع

